

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نظریه‌های برنامه‌ریزی شهری

(از آغاز تا کنون)

ویلیام کاتلور

ترجمه: محمود شورچه

سرشناسه	Taylor, Nigel : تایلور، نایجل
عنوان و نام پدیدآور	: نظریه‌های برنامه‌ریزی شهری (از آغاز تاکنون) / نایجل تایلور؛ ترجمه محمود شوریجه.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات مدیران امروز، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۲۰۰ ص، مصور، جدول، نمودار.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۱۳-۰۲-۲
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیا
یادداشت	: عنوان اصلی: Urban Planning Theory Since 1945
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: شهرسازی
شناسه افزوده	: شوریجه، محمود، ۱۳۶۱- مترجم
رده‌بندی سره	: ۱۳۹۳ ع ۹/ت ۶۶/HT
رده‌بندی دیو	: ۳۰۷/۱۶
شماره کتابشناسی	: ۲۴۰۱



انتشارات مدیران امروز

نظریه‌های برنامه‌ریزی شهری (از آغاز تاکنون)

نویسنده: نایجل تایلور

مترجم: محمود شوریجه

طرح جلد: محمود شوریجه

ناشر: انتشارات مدیران امروز

چاپ: علوی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت و تاریخ انتشار: اول، ۱۳۹۳

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۱۳-۰۲-۲

قیمت: ۱۰,۰۰۰ تومان

© همه حقوق چاپ و نشر این اثر محفوظ است. استفاده از مطالب با ذکر منبع یا غیر آن مجاز است.

نشانی ناشر: تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، کوچه نوروز، پلاک ۱۶، طبقه همکف، انتشارات مدیران امروز

تلفن: ۶۶۴۶۶۶۷۱

مرکز فروش: تهران، خیابان انقلاب، ابتدای خیابان ۱۲ فروردین، پلاک ۲۹۷، کتاب پرهام

تلفن: ۶۶۴۶۸۲۳

فهرست مطالب

.....	سپاسگزاری	۱
.....	سخن مترجم	۱
.....	مقدمه	۱

بخش اول: نظریه برنامه‌ریزی شهری اولیه ۱

.....	فصل ۱: برنامه‌ریزی شهری به عنوان برنامه‌ریزی فیزیکی و طراحی	۲
.....	مقدمه	۲
.....	مؤلفه‌های درک اولیه از برنامه‌ریزی	۴
.....	برنامه‌ریزی شهری به عنوان برنامه‌ریزی فیزیکی	۵
.....	برنامه‌ریزی شهری به عنوان طراحی شهری	۷
.....	طرح‌های شهری به عنوان نقشه‌های زمینه‌آبی یا طرح‌های جامع	۱۴
.....	نتیجه‌گیری	۱۸
.....	یادداشت‌ها	۱۹
.....	فصل ۲: ارزش‌های نظریه برنامه‌ریزی شهری اولیه	۲۱
.....	زمینه هنجاری: فرهنگ اصلاح اجتماعی و گردش فضا ارائه	۲۱
.....	نظریه هنجاری در برنامه‌ریزی پس از جنگ انگلستان	۲۴
.....	جامعیت آرمانی	۲۵
.....	زیبایی‌شناسی ضد-شهری	۲۹
.....	نگرش نظم به ساختار شهری	۳۱
.....	موافقت فرضی بر سر اهداف برنامه‌ریزی	۳۶
.....	نتیجه‌گیری	۳۸
.....	یادداشت‌ها	۳۸
.....	فصل ۳: انتقادهای اولیه از نظریه برنامه‌ریزی شهری	۴۰
.....	مقدمه: عصر طلایی برنامه‌ریزی شهری اولیه	۴۰
.....	نقد جهت‌گیری طراحی و فیزیکی در برنامه‌ریزی شهری	۴۲
.....	انتقاد از بی‌توجهی به موضوعات اجتماعی	۴۲
.....	انتقاد به جبرگرایی فیزیکی	۴۴
.....	فقدان مشورت	۴۵
.....	نقد برنامه‌ریزی بر اساس نقشه‌های زمینه‌آبی	۴۶
.....	نقد ایده‌آل‌های هنجاری و فرضیات نظریه برنامه‌ریزی اولیه	۴۸

۴۹	نقد آرمان‌شهرگرایی
۵۰	نقد ضد-شهرگرایی
۵۱	نقد نگرش نظم به ساختار شهری
۵۳	نقد توافق عمومی بر سر ارزش‌های برنامه‌ریزی
۵۵	واکنش‌های رسمی: گزارشی از گروه مشاور برنامه‌ریزی
۵۸	نتیجه‌گیری
۵۹	یادداشت

بخش دوم: نظریه برنامه‌ریزی شهری در دهه ۱۹۶۰..... ۶۰

۶۱	فصل ۴: نگرش سیستم‌ها و فرایند عقلانی به برنامه‌ریزی شهری
۶۱	مقدمه: تحول بی‌پایان اندیشه‌های برنامه‌ریزی شهری
۶۳	نگرش سیستم‌ها به برنامه‌ریزی
۶۳	مفاهیم پایه و کاربردهای آن در برنامه‌ریزی
۶۷	ظهور نگرش سیستم‌ها به برنامه‌ریزی
۶۹	نگرش فرایند عقلانی به برنامه‌ریزی
۶۹	مقدمه
۷۲	خاستگاه‌های نگرش فرایند عقلانی
۷۳	روشنگری مدل فرایند عقلانی در برنامه‌ریزی
۷۳	مسائلی درباره عقلانیت
۷۴	مدل فرایند عقلانی به عنوان مدل هنجاری برنامه‌ریزی
۷۵	مدل فرایند عقلانی به عنوان یک مدل عقلانیت ابزاری
۷۵	بحث درباره برنامه‌ریزی تدریجی و گسسته در مقابل برنامه‌ریزی جامع مدنی
۷۷	نتیجه‌گیری: عقلانیت، سایبرنتیک و مدرنیته
۷۸	یادداشت‌ها
۷۹	فصل ۵: برنامه‌ریزی به عنوان یک فرایند سیاسی
۷۹	مدرنیسم و پست‌مدرنیسم
۸۱	علم، ارزش‌ها و عقلانیت: فن‌گرایی کاذب
۸۳	ارزیابی برنامه
۸۶	برنامه‌ریزی، پوپر و روش علمی
۸۸	نظریه‌پردازان اولیه برنامه‌ریزی به عنوان یک کنش سیاسی هنجاری
۹۱	مشارکت عمومی

۹۱	نقاط ضعف دموکراسی نمایندگی
۹۲	واکنش دولت به مشارکت مردمی
۹۴	نردبان مشارکت ارنشتاین
۹۶	یادداشت‌ها

بخش سوم: نظریه برنامه‌ریزی شهری از دهه ۱۹۷۰ تا دهه ۱۹۹۰ ۹۷

۹۸	فصل ۶: نظریه در زمینه اثرات برنامه‌ریزی
۹۸	مقدمه
۹۹	انتقاد از بحث‌های پوچی
۱۰۲	اثرات برنامه‌ریزی پس از جنگ در انگلستان: کنترل رشد شهری در انگلستان
۱۰۵	تبیین اثرات برنامه‌ریزی: بگرسون و اقتصاد سیاسی
۱۰۵	برنامه‌ریزی شهری، مدیریت شهری و مسئله اقتصاد سیاسی
۱۰۶	برنامه‌ریزی شهری و بازار: تحلیل اقتصادی
۱۰۷	شهری‌شدن، برنامه‌ریزی و اقتصاد سیاسی: مایه‌یستی
۱۱۱	نتیجه‌گیری: برنامه‌ریزی شهری در مقیاس‌های درون کلان
۱۱۳	یادداشت‌ها
۱۱۵	فصل ۷: برنامه‌ریزی عقلانی و اجرا
۱۱۵	مقدمه
۱۱۷	ظهور نظریه اجرا
۱۲۳	نظریه اجرا و رابطه بین سیاست و کنش
۱۲۶	برنامه‌ریزی به عنوان یک کنش ارتباطی
۱۳۱	اقتصاد سیاسی، بازار و اجرا
۱۳۴	یادداشت‌ها
۱۳۶	فصل ۸: نظریه برنامه‌ریزی پس از راست جدید
۱۳۶	مقدمه
۱۳۷	سوسیال دموکراسی، احیاء لیبرالیسم کلاسیک و مسئله برنامه‌ریزی
۱۳۷	سوسیال دموکراسی پس از جنگ و احیاء لیبرالیسم کلاسیک
۱۴۰	لیبرالیسم بازار و برنامه‌ریزی شهری
۱۴۲	برنامه‌ریزی شهری انگلستان تحت تفکرات تاجریسم
۱۴۶	اقتصاد سیاسی و تجدیدنظر در برنامه‌ریزی شهری: نظریه حکمروایی و قانون‌مداری
۱۴۶	کارآفرین‌گرایی در حکومت محلی و نظریه حکمروایی

۱۵۱	تحول در سرمایه‌داری و نظریه قانون‌مداری
۱۵۳	نظریه برنامه‌ریزی مسئله - محور
۱۵۴	رکود و بازساخت اقتصاد شهری
۱۵۵	نابرابری اجتماعی و فرصت‌های برابر
۱۵۶	بحران اکولوژیکی جهانی و توسعه پایدار
۱۵۸	کیفیت زیبایی‌شناسی محیط‌های شهری
۱۵۹	کنترل دموکراتیک محلی و برنامه‌ریزی مردمی
۱۶۰	نظریه برنامه‌ریزی شهری حال حاضر
۱۶۱	یادداشت‌ها

بخش چهارم: نتیجه‌گیری: پست‌مدرنیسم و تغییر در پارادایم برنامه‌ریزی شهری ... ۱۶۳

۱۶۴	فصل ۹: تغییر پارادایم مدرنیسم و پست‌مدرنیسم
۱۶۴	تغییر در اندیشه و پارادایم‌ها
۱۶۶	دو تغییر پارادایمی در اندیشه برنامه‌ریزی شهری
۱۶۶	از برنامه‌ریزی شهری به عنوان طراحی علمی
۱۶۸	از برنامه‌ریز شهر به عنوان متخصص فنی تا یک ایده‌پرداز
۱۷۰	مدرنیسم و پست‌مدرنیسم
۱۷۱	پست‌مدرنیسم به عنوان یک سبک
۱۷۲	پست‌مدرنیسم به عنوان یک چالش در علم و عقل‌گرایی
۱۷۴	پست‌مدرنیسم به عنوان یک نگرش هنجاری جایگزین در کیفیت زندگی
۱۷۵	نتیجه‌گیری: برنامه‌ریزی شهری به عنوان یک رشته علمی و نظریه برنامه‌ریزی شهری
۱۷۷	یادداشت‌ها
۱۷۸	کتاب‌شناسی و منابع

سیاست‌گذاری

هیوگ بارتون (Hugh Barton)، مارتین چک (Martin Chick)، ران گریفیس (Ron Griffiths) و تونی اسکریس (Tony Scrase) لطف بسیاری در مطالعه‌ی پیش‌نویس‌های اولیه این کتاب نسبت به من ابراز داشته‌اند و از آنها به خاطر نظراتشان و به ویژه اظهارنظرهای نقادانه و موشکافانه‌ای که داشتند بسیار تشکر می‌کنم. با این وجود، بنده خود را مسئول آنچه نوشته‌شده می‌دانم.

همچنین تشکر می‌کنم از همسر من دینا و فرزندانم جورجیا و لورنس، به خاطر حمایت‌شان و عشقی که نسبت به من دارند. نمی‌دانم آیا بدون آنها می‌توانستم این همه رنج و زحمت را تحمل کنم یا نه. من معمولاً برای انجام کارهایم در دفتر می‌ماندم و همسر و پدری بودم که دیر به خانه می‌آمد و کمتر در خانه بود. اما آنها در تمام سختی‌ها در کنارم بودند و هرگز حتی یک بار هم شکایتی نکرده و دلخوری نشان ندادند. بلکه، همیشه با روی گشاده و خوش-آمدگویی با من رفتار می‌کردند. می‌دانم که بی‌توجهی در این زمینه، بیشتر از جانب من بوده است. من همیشه دوست داشتم تا وقت بیشتری با آنها در خانه باشم. اما به دلایلی باید گفت ما مجبوریم این کارها را انجام دهیم و امیدوارم که این کار، اگرچه به ما کمک می‌کند تا به اهدافمان برسیم، اما شاید برای دانشجویانم ارزش این همه زحمت را داشته باشد.

سخن مترجم

این کتاب، بی‌شک سیستماتیک‌ترین کتاب در زمینه روند تحولات نظریه برنامه‌ریزی شهری همراه با تحلیل‌ها و ارزیابی‌های عمیق و در عین حال قابل فهم در این زمینه است. از نظر نویسنده‌ی کتاب‌های مرجع «برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای در انگلستان - ویراست چهاردهم» (۲۰۰۶) و «برنامه‌ریزی در امریکا؛ سیاست‌ها، مباحث و فرایندها» (۱۹۹۷)، پرفسور بری کالینگورث، «این کتاب بهترین نقطه شروع برای آشنایی با ماهیت برنامه‌ریزی شهری است» (Cullingworth, 2006; 13). از این رو، انگیزه اصلی مترجم برای ترجمه این کتاب، آشنایی دانشجویان با حال و هوای برنامه‌ریزی شهری یا منطقه‌ای در ایران با مباحث موجود در این کتاب بوده است. نقطه قوت دیگر کتاب، طرز مباحث نظریه برنامه‌ریزی شهری به صورت پیوسته و هم‌پیوند (و نه همانند برخی از آثار که صرفاً یک گردآوری و تنظیم نظریه‌های برنامه‌ریزی شهری بر اساس ترتیب زمانی است) می‌باشد. به طوری که هر نظریه جدید در برنامه‌ریزی واداشته به مثابه سنتزی از نظریه ماقبل تبیین می‌شود. بنابراین، خواننده به خوبی می‌تواند روند تحولات نظریه‌ای برنامه‌ریزی مدرن را درک و ارزیابی نماید. همین نکته آخر، انگیزه اصلی خود نویسنده کتاب در تألیف چنین کتابی بوده است.

از نظر تایلور (نویسنده این کتاب)، دانش‌جویان برنامه‌ریزی شهری پرداختن به موضوعات پیرامون «نظریه برنامه‌ریزی» را بسیار دشوار فهم و کسل کننده می‌بینند. از نظر وی این مسئله تاحدی به ماهیت خود موضوع در این زمینه و مهم‌تر از آن، فقدان یک کتاب مناسب در زمینه نظریه‌های برنامه‌ریزی شهری» برای دانشجویان برمی‌گردد. این کتاب مستقیماً به منظور حل چنین مشکلی نوشته شده است. براین، مطالعه آن برای دانشجویان برنامه‌ریزی شهری می‌تواند بسیار مفید باشد.

مقدمه

این کتاب به تشریح تاریخ نظریه برنامه‌ریزی شهری از پایان جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵) به این سو می‌پردازد. در طول این دوره‌ی پنجاه ساله، ایده‌ها و نگرش‌های پیرامون برنامه‌ریزی شهری به طور قابل‌توجهی تغییر کرده است. با این حال هنوز دانشجویان فاقد یک کتاب مفید و قابل‌دسترس در این زمینه هستند. به طوری که در آن به شکل سیستماتیک، به روند شکل‌گیری و توسعه ایده‌هایی که رشته‌شان را تشکیل می‌دهد، پرداخته شده باشد. کتاب حاضر به همین منظور نوشته شده است.

در برخی مطالعات برنامه‌ریزی شهری، دانشجویان برخی دروس در زمینه «نظریه برنامه‌ریزی» می‌گذرانند. اما همان گونه که بند از تجربه شخصی خود در تدریس این درس متوجه شده‌ام، دانشجویان موضوع نظریه برنامه‌ریزی را دشوار می‌بینند. بخشی از چنین دشواری ممکن است به دلیل ماهیت موضوع باشد. به طوری که می‌توان گفت، به جای بررسی روند کاملی از تحولات نظریه برنامه‌ریزی، ایده‌ها و مباحث در این زمینه، به شکل پراکنده مورد بررسی قرار می‌گیرند. این جنبه مشکلاتی که دانشجویان، آن را تجربه می‌کنند از طریق ارائه یک پیشینه از نظریه برنامه‌ریزی رفع نمی‌شود. به عنوان مثال، عمده‌ای از پیشینه اصلی در این زمینه، به صورت بسیار پیچیده و مبهم بیان می‌شود. به طوری که برخی دانشجویان توسط قابل درک نیست، که البته اجباری نیست که حتماً بدین شکل بیان شود. شور و اشتیاق آغازین در رشته این درس، می‌تواند با اولین خوانش از برخی «متون کلاسیک» در زمینه نظریه برنامه‌ریزی سریعاً فروکش نماید. با اینک آثار فالدی^۱ و سودمندی^۲ توسط برخی نظریه‌پردازان در زمینه نظریه برنامه‌ریزی، از قبیل نظریه آندریاس فالودی^۳ (Faludi, 1973) و اخیرتر، توسط اسکات کمپل و سوزان فاینشتاین^۴ (۱۹۹۶) نوشته شده است (۱)، اما هنوز یک کتاب واحد وجود ندارد که در آن به «روایت» نحوه تغییر و تحولات نظریه برنامه‌ریزی شهری از پایان جنگ جهانی دوم تاکنون پرداخته شده باشد. همان گونه که بیان شد، در این کتاب سعی من بر آن بوده است تا این فقدان را جبران کنیم. با انجام این مهم، تلاش من بر آن بوده است تا تاریخ [نظریه برنامه‌ریزی] را به صورت شفاف و به شیوه‌های قابل‌فهم و برای هر گونه تحلیل پیچیده و دشوار، بیان کنم. بدین منظور و با توجه به چنین رویکردی، یک کتاب در زمینه تاریخ نظریه برنامه‌ریزی، نباید صرفاً به توصیف ایده‌ها به شکلی توصیفی بپردازد. بلکه همچنین می‌بایست به ارزیابی روشنی از نظریه‌ها و روش‌ها بپردازد. اینکه من در رسیدن به چنین هدفی چقدر موفق عمل نموده‌ام، قضاوت آن با دیگران است.

قبل از آنکه شروع به بحث در این زمینه کنم، لازم است به برخی نکات درباره نحوه نظریه برنامه‌ریزی شهری^۵ گفته می‌شود (همین مسئله به خودی خود از سال ۱۹۴۵ موضوع بحث در میان نظریه‌پردازان برنامه‌ریزی بوده است) اشاره نمایم. جهت ورود به بحث در این زمینه، بهتر است از اینجا شروع کنیم که در عمل برنامه‌ریزی شهری، دقیقاً آن چیزی است که انجام می‌دهد، از این رو، هر چیزی که دانشجویان برنامه‌ریزی شهری در دانشگاه انجام می‌دهند، حتی زمانی که آنها در حال آموزش قوانین برنامه‌ریزی شهری هستند، «نظریه‌ای» درباره یکی از انواع برنامه‌ریزی‌های شهری خواهد بود. در واقع، ویژگی خاص «نظریه برنامه‌ریزی»، ارائه یک فهم کلی یا «عمومی» از

1 Andreas Faludi

2 Scott Campbell and Susan Fainstein

3 town planning theory

ماهیت برنامه‌ریزی شهری است. به همین دلیل، انواع پرسش‌های نظریه‌پردازان برنامه‌ریزی درباره برنامه‌ریزی شهری، در اصل، از نوع پرسش‌هایی «بنیادین» درباره برنامه‌ریزی شهری هستند. از جمله این پرسش که: چه نوع فعالیتی را می‌توان برنامه‌ریزی شهری نامید؟ برنامه‌ریزی شهری به دنبال انجام چه کاری است؟ کدام یک ناشی از عمل واقعی برنامه‌ریزی شهری است؟ با این حال، علی‌رغم اهمیت این قبیل سؤالات در برنامه‌ریزی شهری، آنها «سؤالات بسیار ساده‌ای» هستند. در واقع، آنها شبیه سؤالاتی هستند که یک کودک ممکن است درباره برنامه‌ریزی شهری از شما بپرسد. همان گونه که اگر کسی بچه داشته است می‌داند، عموماً پاسخ به این قبیل سؤالات «ساده» (و در عین حال بنیادی) بسیار دشوار است. به دلیل آنکه، چنین سؤالاتی، در واقع یک کنکاش بسیار اساسی در تفکرات ماست (۲). این دلیل دیگری است بر اینکه چرا بسیاری از دانشجویان ممکن است موضوع «نظریه برنامه‌ریزی» را دشوار بدانند. چرا با وجود تلاش بسیار من در جهت آسان‌گویی و قابل‌فهم کردن این کتاب، برخی از بخش‌های آن ممکن است هنوز یک خوانش دشوار از موضوعات ارائه دهد.

نکته آخر، واژه «برنامه‌ریزی شهری» برمی‌گردد. من این واژه را به دلیل سادگی آن ترجیح داده‌ام. به علاوه، این واژه احتمالاً بیشترین بهره‌مورد استفاده در جهان باشد که آن فعالیتی را که من در تلاش بررسی آن هستیم، توصیف می‌کند. از این رو به «برنامه‌ریزی شهرک»^۱، من این واژه را انتخاب نموده‌ام. به این دلیل که، دقیقاً به معنای آن چیزی است که برخی از مردم (به ویژه در ایالات متحده آمریکا) برنامه‌ریزی «شهری» یا «شهر»^۲ می‌نامند. همه واژه‌های «town»، «urban» و «city» به طور کلی، اشاره به تمرکز این رشته، بر روی (برنامه‌ریزی) محیط ساخته‌شده^۳ دارد. معنایی که ما از محیط ساخته‌شده (شهر) شهری استنباط می‌کنیم، همچنین با محیط‌های روستایی و طبیعی نیز ارتباط پیدا می‌کند. از چنین منظر باید مراقب بود. بدان «برنامه‌ریزی محیطی»^۴ گفت (کما اینکه برخی از متون در برنامه‌ریزی «شهری» از همین عنوان استفاده می‌کنند). همچنین، آنچه را که من در اینجا با عنوان «برنامه‌ریزی شهری» تشریح می‌کنم، همچنین دربرگیرنده آن چیزی است که در انگلستان به طور سنتی بدان «برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای»^۵ گفته می‌شود.

روایتی که من از آن در قبل سخن گفتم، یک دیدگاه انگلیسی را ارائه می‌دهد. با این حال، از زمان جنگ جهانی دوم، آن نوع برنامه‌ریزی شهری که در انگلستان، بر روی آن بحث و مرحله اجرا گذاشته می‌شد، از بسیاری جنبه‌ها، شبیه آن نوع برنامه‌ریزی شهری است که در دیگر دموکراسی‌های پیشرفته نیز وجود داشته است. به طوری که حتی می‌توان گفت، آنچه من در اینجا تحت عنوان توسعه اندیشه برنامه‌ریزی شهری در انگلستان تشریح می‌کنم، بخش عمده‌ای از آن، از دیگر مکان‌ها، به ویژه از ایالات متحده امریکا، گرفته شده است. بنابراین، امیدوارم که خوانندگان در دیگر کشورها، این موضوع را به حساب ارتباط آنها بگذارند.

1 Urban Planning

2 Town Planning

3 'urban' or 'city' planning

4 built environment

5 'environmental' planning

6 'town and country' planning

آنچه این کتاب بدان می‌پردازد، در واقع یک موضوع بسیار مهم و اساسی است. مهم‌تر از همه اینکه، اشاره به این حقیقت دارد که «در قرن بیستم، اکثر مردم در اروپا و امریکای شمالی، و اکنون، به طور فزاینده‌ای در دیگر بخش‌های جهان، در شهرها زندگی می‌کنند. این نوع «حرکت به سمت شهر»، در واقع، به موازات شکل‌گیری یک حس قوی در واکنش به فقدان آن چیزی که بدان شهرستان یا «طبیعت وحشی»^۱ گفته می‌شود، صورت می‌پذیرد. همان چیزی که در انگلستان بدان «نوستالژی روستا»^۲ و از منظر ادبیات، «ضد-شهری»^۳ گفته می‌شود (مراجعه شود به Williams, 1973). این موضوع تأثیر قابل‌توجهی بر اندیشه برنامه‌ریزی شهری در قرن بیستم داشته است. من فکر می‌کنم که نباید چنین احساس‌هایی را کم‌ارزش تلقی کنیم. به دلیل آنکه بسیاری از مردم در «طبیعت وحشی» چیزهای والایی را تجربه می‌کنند که به طور کلی در شهرها خبری از آنها نیست. با این حال، برخی از شهرها جزء مکان‌های بسیار شگفت‌انگیز به حساب می‌آیند. با نگاهی به حرکت شمار عظیمی از مردم دنیا برای دیدن شهرهایی مثل فلورانس و ونیز، پاریس و رم، لندن و نیویورک می‌توان این موضوع را نشان داد. همه اینها شاید جزء موارد استثناء و نادر به نظر برسند. زیرا، عوامل دیگری نیز وجود دارند که منجر به حس ضد-شهری می‌شود. مثلاً بسیاری از شهرها تبدیل به مکان‌های نامناسب و زشت می‌شوند. بالاخره، همه شهرها، چیزهای انسانساخت هستند و برخی از آنها که دارای محیط‌های شهری ناخوشایندی هستند به طوری که اکثر مردم از زندگی در آنها نفرت دارند، می‌توانند که این‌گونه نباشند.

در اینجا است که برنامه‌ریزی شهری به اهمیت بالایی برخوردار می‌شود. در واقع، این یک واقعیت عجیبی است که در فرهنگ شهرهای معاصر، فعالیت برنامه‌ریزی، شش دهه پیش به قدر کافی درباره شهرها به کنکاش و تفکر نپرداخته است. به همین دلیل است که درک زیادی از رابطه آن با کیفیت زندگی مان وجود ندارد. رمان‌نویس؛ مارگارت درابل^۴، این نکته را به خوبی چنین بیان می‌کند (1991, p. 32):

«من اخیراً با دوستانم درباره این صحبت می‌کردیم که هنر تأثیر بسیار قدرتمند و مستقیمی بر احساسات ما دارد. ادعاهای موسیقی و شعر، طرفداران قدرتمندی پیدا می‌کند، تا زمانیکه هنری از معماری نیست. یک حس سکوت شگفت‌آور و احترام‌آمیز. معماری؟ آیا واقعاً منظور او معماری است؟ آیا ساختمان‌ها دارند تا کسی را به گریه وادارند، یا اینکه دارد شوخی می‌کند؟ ما از وی سؤال کردیم؟ بله، منظور وی ساختمان‌ها بودند.»

من بارها به این موضوع فکر کرده‌ام و اکنون می‌بینم که نکته این دوست، بسیار عمیق‌تر از آنی است که در ابتدا به نظر می‌رسد. در واقع بسیاری از بزرگترین و والاترین تجربیات زیبایی‌شناسی و احساسی، در معانی ناشی می‌شود. چه کسی می‌تواند اولین تجربیاتش را از رفتن به ونیز، رم، استانبول، مراکش، کارتاژ، نیویورک، ریودنایرو، مسکو، سیدنی، کیمپتون فراموش کند؟

برخی نکات وجود دارد که قصد دارم به آنچه مارگارت درابل می‌گوید، اضافه کنم. اول اینکه، اگرچه شهرها می‌توانند به عنوان آثار بزرگ هنری، تجربه شوند. از این منظر، مسائل زیبایی‌شناختی باید در برنامه‌ریزی شهری، نقش

1 wild nature

2 rural nostalgia

3 anti-urban

4 Margaret Drabble

محوری داشته باشد. اما شهرها صرفاً آثار هنری نیستند. خواه آنکه ما آنها را تجربه کنیم یا نکنیم و یا حسی خوشایند یا تنفرآمیز نسبت به آنها داشته باشیم، همه این کنش‌ها و واکنش‌ها بستگی به عواملی بیش از اینها دارد. بنابراین، برنامه‌ریزی شهری خوب، به عواملی بیش از طراحی خوب شهر بستگی دارد. دوم و مهم‌تر اینکه، مارگارت درابل از معماری و ساختمان‌ها سخن به میان می‌آورد. اما این در حالی است که اگرچه ساختمان‌های منحصربه‌فرد و از این رو معماری آن، برای کیفیت یک شهر از اهمیت بالایی برخوردار است، اما فضاها و ساختمان‌های موجود در یک شهر، صرفاً شامل این مورد نیست. زیرا از جمله عناصر دیگر شامل، پارک‌ها و باغ‌ها هستند که (تا آنجا که به بحث هنر مربوط می‌شود) کیفیت تجربه ما را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در واقع این هنر برنامه‌ریزی شهری است که واکنش فردی چون درابل را برانگیزاند. اما، آنچه درابل در اینجا مطرح می‌کند، برای نشان دادن این حقیقت که برنامه‌ریزی شهری (معماری) به طور کلی به عنوان یک موضوع با اهمیت در جامعه ما درک نمی‌شود، بسیار مهم است. به علاوه، اگر بسیاری از ما در شهرها زندگی می‌کنیم و بسیاری از آنها برای ما ناخوشایند نیز هستند، اما برای انسان این امکان وجود دارد که شهرها را خوبی برای سکونت مردم در آنها، خلق نماید.

اگر برنامه‌ریزی شهری با اهمیت بالایی برخوردار است، پس نیازمند نظریه‌پردازی است. به علاوه، همان گونه که در قبل اشاره شد، یک نظریه شهری در این زمینه باید بر روی سه سؤال کلیدی تمرکز نماید: اول، محیط‌های شهری با کیفیت خوب، دارای چه مؤلفه‌ها و ترکیباتی است؟ دوم، تحت کدام شرایط چنین کیفیت‌هایی می‌تواند قابل درک و تشخیص باشند؟ و سوم، با توجه به آنچه به عنوان یک مفهوم عمومی برنامه‌ریزی شهری جزء چنین شرایطی است، کدام بخش از برنامه‌ریزی شهری می‌تواند در ساختن شهرهای بهتر (و در معنای عام آن یک محیط بهتر) نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد؟ در بخش نتیجه‌گیری این کتاب، من به این سه سؤال باز خواهم گشت. مع الوصف، در بخش عمده‌ای از قرن بیستم و به ویژه از زمان جنگ جهانی دوم، به عنوان نظریه‌پردازان برنامه‌ریزی، بیشتر مشغول سؤالات دیگری بوده‌اند. ذهن آنها به ویژه درگیر این مسئله مفهومی بوده است که ما باید رشته برنامه‌ریزی شهری را چگونه درک (یا تعریف) کنیم. نظریه‌پردازان برنامه‌ریزی شهری از سال ۱۹۴۰ اکنون، دارای نگرش‌ها و رویکردهای بسیار متفاوتی بوده‌اند و در برخی زمینه‌ها و مفاهیم برنامه‌ریزی شهری حتی به تعارض با هم قرار داشته‌اند. اما این نگرش‌های متفاوت و معارض در مبانی نظری و نظریه برنامه‌ریزی شهری بوده است که در شکل‌گیری اندیشه آنها نقش تعیین‌کننده و مؤثری برجای گذاشته است. این همان روایتی است که من در این کتاب سعی در شرح آن دارم.